

سُورَةُ الْحَجِّ وَالْحَجَّيَةِ

حقیقت دنیا

ساعتی با خود خلوت کنیم و در گوشه‌ای آرام، فارغ از هر مشغله‌ای به یاد روز و ساعت و لحظه‌ای باشیم که ناگزیر باید به دعوت پیک الهی لبیک گوئیم و از این دنیای فانی هجرت کنیم و به جایگاه اصلی و ابدی خود سفر کنیم؛ بنابراین همان‌طور که برای سفرهای معمولی (اعم از کوتاه یا بلند مدت) ناگزیریم توشه‌ی راهی برداریم تا در طی مسیر به زحمت و مشقت نیفتیم برای چنین سفر طولانی و پرفراز و نشیبی هم به حکم عقل باید توشه‌ای ببندوزیم که با بعد سفر ما تناسب داشته باشد. نکند خدای ناکرده مشاغل گوناگون و دغدغه‌های مختلف زندگی ما را به خواب عمیقی فرو برده، فراموش کنیم که چه سرانجامی داریم و به چه مقصدی رهسپاریم و مصداق این سخن حضرت علیؑ امیرالمؤمنین باشیم که فرمود:

أَهْلُ الدُّنْيَا كَرَكَبٍ يُسَارُّ بِهِمْ وَ هُمْ نِيَامٌ؛^۱

مردم دنیا همانند کاروانی هستند که ایشان را

می‌برند در حالی که آنان در خواب به سر می‌برند.

و نکند بادست خود، خود را از ندانی این دنیای فانی کنیم و از برکات عالم عقبی

۱- نهج البلاغه، کلمه‌ی ۶۱.

محروم بمانیم، مولای ما امام جعفر صادق علیه السلام دنیادوستان رازندانیان حقیقی معرفی کرده می‌فرماید:

الْمَسْجُونُ مَنْ سَجَنَتْهُ دُنْيَاهُ عَنْ آخِرَتِهِ؛^۱

زندانی حقیقی کسی است که علاقه‌ی به دنیا و سرگرمی‌های آن او را از توجه به آخرت و امور اخروی بازداشته است.

و اگر بخواهیم تصویر کامل و درستی از "دنیا" در ذهن خود داشته باشیم به کلام مولای اهل ایمان امیرمؤمنان علیه السلام توجه کنیم که فرمود:

دَارُ الْبَلَاءِ مَحْفُوفَةٌ وَ بِالْغَدْرِ مَعْرُوفَةٌ لَا تَدُومُ
أَحْوَالُهَا وَلَا تَسْلَمُ نَزَالُهَا؛^۲

دنیا سرایی است که غم و اندوه سراسر آن را فرا گرفته و به مکر و بی‌وفایی شهرت دارد هرگز به یک حال باقی نیست و ساکنان آن هرگز به سلامت نخواهند بود.

اگر قبول داریم که دنیا همچنان است که مولای ما آن را نشان داده و قبول داریم که ما به سبب اشتغالات گوناگون و درگیری‌های فراوان، ناخواسته اسیر دنیا شده و به تعبیر امام صادق علیه السلام در آن زندانی شده ایم آیا سزاوار نیست اوقات بیشتری را به تفکر در این باره اختصاص دهیم و ساعات بیشتری را با خود خلوت کنیم و باور کنیم این سخن

۱- کافی، جلد ۴، صفحه ۱۹۳.

۲- نهج البلاغه فیض، خطبه ۲۱۷.

امیر بیان حضرت علی علیه السلام که فرمود:

حُبُّ الدُّنْيَا يُفْسِدُ الْعَقْلَ وَ يُصِمُّ الْقَلْبَ عَنْ
سَمَاعِ الْحِكْمَةِ؛^۱

دل‌بستگی به دنیا عقل را فاسد می‌کند و گوش دل را
از شنیدن مطالب حکیمانه ناشنوا می‌سازد.

و یا این سخن امام کاظم علیه السلام که فرمود:

مَنْ أَحَبَّ الدُّنْيَا ذَهَبَ خَوْفُ الْآخِرَةِ مِنْ قَلْبِهِ...؛^۲

کسی که به دنیا دل‌بستگی پیدا کرد ترس آخرت از
دلش بیرون می‌رود.

و اگر این سعادت نصیبمان شود که به حقیقت دنیا معرفت پیدا کنیم آن وقت

است که به این سخن حضرت امام صادق علیه السلام بیشتر وقوف می‌یابیم که فرمودند:

مَنْ تَعَلَّقَ قَلْبَهُ بِالدُّنْيَا تَعَلَّقَ قَلْبُهُ بِثَلَاثِ خِصَالٍ
هَمٌّ لَا يَقْنَى وَ أَمَلٌ لَا يُدْرِكُ وَ رَجَاءٌ لَا يُنَالُ؛^۳

کسی که به دنیا دل ببندد، همواره گرفتار سه حالت
روحی است: غصّه و اندوهی که تمام نمی‌شود،
آرزویی که هرگز برآورده نخواهد شد و امیدی
که هرگز بدان نخواهد رسید.

۱- فهرست غرر، صفحه‌ی ۱۱۱.

۲- تحف العقول، صفحه‌ی ۴۲۱.

۳- کافی، جلد ۴، صفحه‌ی ۹.

ما انسان‌ها اگر از موقعیت خود در این عالم باخبر شویم یقیناً به گونه‌ی دیگری عمل خواهیم کرد و روش دیگری را در پیش خواهیم گرفت. رسول عالیقدر اسلام ﷺ فرمود:

مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ
مِنْ دَارٍ إِلَىٰ دَارٍ؛^۱

ای مردم شما برای فنا و نیستی آفریده نشده‌اید بلکه برای بقا و جاوید زیستن به وجود آمده‌اید و تنها به وسیله‌ی مرگ است که شما از منزلی به منزل دیگر انتقال پیدا می‌کنید.

خود وصی خود باش

بنابر این کسانی که فکر می‌کنند با مرگ همه چیز تمام می‌شود و از اینرو فرصت زندگی دنیا بی‌ارامی را مغتنم می‌شمرند از همه‌ی فرصت و نعمت‌ها برای کامرانی خود بهره‌برداری می‌کنند سخت در اشتباهند؛ حال وقتی باور کردیم که جهان دیگری در انتظار ماست تدارک ز اذ راه و توشه‌ی سفر و توجه به جایگاه جاودان خود یک ضرورت انکار ناپذیر است و همین بینش و تفکر، وجه تمایز ما با افراد بی‌ایمان است. امام حسن مجتبیٰ علیه السلام فرمود:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ يَتَزَوَّدُ وَإِنَّ الْكَافِرَ يَتَمَتَّعُ؛^۲

افراد باایمان از دنیا برای خود زاد و توشه

۱- بحار الانوار، جلد ۳، صفحه‌ی ۱۶۱.

۲- سفینة البحار، جلد ۲، صفحه‌ی ۶۷۱.

بر می‌دارند ولی افراد بی‌ایمان تنها از آن، لذت و
کامرانی می‌برند.

و مولای متقیان هم فرمود:

إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ فَخُذُوا
مِنْ مَمْرِكُمْ لِمَفْرَكِكُمْ؛^۱

دنیا منزلی است گذران و آخرت مقرری است
جاودان، فرصت را غنیمت بشمارید و از گذرگاه
خود برای قرارگاه خود اندوخته‌ای ببندوزید.

و نیز فرمود:

تَجَهَّزُوا رَحِمَكُمُ اللَّهُ فَقَدْ نُودِيَ فِيكُمْ بِالرَّحِيلِ؛^۲

آماده‌ی سفر آخرت شوید و وسایل سفر را آماده
کنید، خدا شما را رحمت کند که منادی برای رفتن
به سرای باقی ندایتان می‌دهد.

شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: مرا پندی ده. حضرت فرمود: آماده‌ی سفر
مرگ باش و با انجام اعمال صالح و خالص برای خدا و انفاق مال و دارایی در راه خدا
توشه‌ی فراوانی بردار، چرا که سفر درازی را در پیش‌رو داری و بدان که اگر خود اقدامی
نکردی دیگران بعد از تو کاری نمی‌کنند و بهتر آن که خودت وصی خود باشی.
و مسلم برای توشه اندوختن، هر کس به میزان فهم و درکش، همت و توانش و به

۱- نهج البلاغه‌ی فیض، خطبه‌ی ۱۹۴.

۲- همان، خطبه‌ی ۲۰۴.

مقدار نیازش تلاش می‌کند. قطعاً آن کس که درک عمیق‌تری دارد از پیمودن این راه طولانی و پرخطر هراس بیشتری دارد و سوز و همت بیشتری هم از خود نشان خواهد داد.

ضرورت نگارش وصیت‌نامه

بارها شنیده‌ایم که مولای اهل ایمان حضرت علی علیه السلام در خلوت و جلوت این ناله

را سر می‌داد:

آه، مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بَعْدِ السَّفَرِ؛

قطعاً این بیان حضرت از راه پر مخاطره‌ی آخرت حکایت دارد. به امام خود اقتدا کنیم و با اندیشیدن به سرانجام امر خود از یک سو تقصیرهای رفته را با انجام امور خیر جبران کنیم و از سوی دیگر با نگارش وصیت‌نامه‌ای روشن و کامل **اولاً**: عامل به امر الهی باشیم و **ثانیاً**: با این روش بازماندگان خود را از اختلاف و نگرانی مصون بداریم و **ثالثاً**: با سفارش‌های اخلاقی و تربیتی خود سنت حسنه‌ای را علاوه بر آنچه که در دنیا عامل به آن بوده‌ایم از خود به یادگار گذاریم و در باب اهمیت وصیت همین بس که خداوند حکیم در قرآن کریم در سوره‌ی بقره آیه‌ی ۱۸۰ با تعبیر محکم "كُتِبَ عَلَيْكُمْ: واجب شد بر شما" از اهل ایمان می‌خواهد که به هنگام مشاهده‌ی آثار مرگ، برای آنچه که از خود باقی می‌گذارند وصیت کنند و آیه‌ی بعد هم تهدیدکننده‌ی کسانی است که به عنوان **وصی** تصمیم دارند وصیت‌نامه را خودسرانه تغییر دهند. به هر حال وصیت کردن یک دستور الهی و یک امر لازم‌الاجرای معنوی و بلکه یک تصمیم عاقلانه است. این مطلب تا بدان حد حائز اهمیت است که اگر کسی بدون وصیت از

دنیا برود از نظر رسول اکرم ﷺ به مردن جاهلیت از دنیا رفته است:

مَنْ مَاتَ بَغَيْرِ وَصِيَّةٍ مَاتَ مِيتَةَ الْجَاهِلِيَّةِ؛^۱

هر کس بدون آن که وصیت کند از دنیا برود به

مرگ جاهلیت از دنیا رفته است.

و در بیان دیگری آن حضرت فرمود:

مَا يَنْبَغِي لِأَمْرِيءٍ مُسْلِمٍ أَنْ يَبِيْتَ لَيْلَةً إِلَّا وَ
وَصِيَّتُهُ تَحْتَ رَأْسِهِ؛^۲

سزاوار نیست برای یک شخص مسلمان که شب را

بخوابد، مگر این که وصیت نامه‌ی او زیر سرش باشد.

و نیز آن حضرت فرمود:

تَرَكَ الْأَوْصِيَّةَ عَارُ فِي الدُّنْيَا وَ نَارُ وَ شِنَارُ فِي
الْآخِرَةِ؛^۳

ترک وصیت، ننگ در دنیا و آتش در آخرت است.

البته اینجا نکته‌ای قابل ذکر است و آن این که برخی اینگونه فکر می‌کنند که با

وصیت کردن عمرشان کوتاه شده و آماده برای مرگ می‌شوند، اینان باید بدانند که

کاملاً اشتباه فکر می‌کنند چرا که وصیت کردن نشانه‌ی زودمردن نیست، بلکه یک

وظیفه‌ی شرعی و اخلاقی و یک یادگار معنوی و احیای یک سنت حسنه است ضمن این

۱- وسائل الشیعه.

۲- بحار الانوار، جلد ۳، ۱۰۳.

۳- نهج الفصاحه، ۱۱۴۱.

که باقیات الصالحاتی است که نقش مؤثری در پیشگیری از بروز اختلاف بین بازماندگان دارد و در عین حال وصیت کردن یک پیش بینی و آینده نگری است. آنان که دوران دیشند و در همه‌ی کارها با فکر و برنامه وارد می‌شوند برای مرگ هم که قطعاً روزی خواهد رسید اما زمان آن معلوم نیست برنامه دارند که مبادا فرصتی را از دست بدهند، نعمتی را ضایع کنند و خسارتی به بار بیاورند و یا این که کسی به زحمت بیفتد و یا حقی ناحق شود و یا دینی که باید اجرا شود مورد توجه قرار نگیرد و امثال آن.

نگارش وصیت این مزیت را دارد که شخص با اراده‌ی خود هر آنچه را که در ایام حیاتش آرزوی انجام آن را داشته و موفق به تحقق آن نشده در قالب **وصیت نامه** ذکر می‌کند. البته اگر انسان بتواند قبل از مردن همه‌ی کارهای مورد نظرش را خودش انجام دهد بسی بهتر و خیالش آسوده‌تر است^۱ و این روش در واقع توصیه‌ی مولای ما امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که فرمود:

كُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ؛^۲

خود وصی خود باش.

خود به فکر خود باشیم

روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جمعی سؤال کرد کدام یک از شما مال ورثه را بیش از مال خودش دوست می‌دارد؟ هیچ کس پاسخ نداد. حضرت فرمود: همه‌ی شما چنین هستید، همه می‌گویند مال من، دارایی من و... بدانید که مال شما سه قسمت است: یک قسمت را

۱- البته اینجا استثنایی هم وجود دارد و آن این که در شرایطی گاه به علت طولانی شدن بیماری امکان انجام دادن بعضی از امور عبادی مانند نماز، روزه، حج ممکن نیست و همین طور موارد مشابه.
۲- غرر الحکم.

می خورید، بخش دیگر را می پوشید و قسمت سوم خیرات و صدقاتی است که در ایام حیات در راه خدا انفاق می کنید و بقیه را با جدیت حفظ می کنید و برای ورثه به جا می گذارید و این مفهوم را عالم ربّانی حضرت آیت الله ضیاء آبادی دامت برکاته به صورت جالبی بیان کرده اند که مطالعه‌ی آن بسیار سودمند و خواندنی است. می نویسند:

یکی از اشتباهات بزرگ مردم همین است که کار مربوط به خودشان را انجام نمی دهند و حواله به غیر می کنند. مرد به قول خود، مسلمان است و اعتقاد به خدا و پیامبر ﷺ و امام علی و معاد دارد و در عین حال، عمل به وظایف دینی خود نمی کند، نه در عبادات بدنی و نه در انفاقات مالی. تنها دلش خوش است به این که وصیت کرده پس از من نمازهای نخوانده‌ام را بخوانید، روزه‌های نگرفته‌ام را بگیرید، حج نرفته‌ام را بروید و خمس و زکات نداده‌ام را بدهید. آقرین بر این زرنگی و کلاه برداری!! اما از شما چه پنهان که فرموده‌اند:

هَيْهَاتَ لَا يُخْدَعُ اللَّهُ عَنْ جَبْتِهِ وَلَا تُنَالُ
مَرْضَاتُهُ إِلَّا بِطَاعَتِهِ؛^۱

خدا هیچ گاه راجع به بهشتش فریب نمی خورد [و]
کلاه سرش نمی رود] و رضایتش جز از طریق
طاعتش حاصل نمی شود.

تو داری از مال دیگران استفاده می کنی، نه از مال خودت، زیرا پس از مرگ انسان، تمام دارایی اش به وارث منتقل می شود؛ حتی آن پیراهن تنش که موقع جان

۱- شرح نهج البلاغه فیض، خطبه‌ی ۱۲۹.

دادن به تنش بوده، مال وارث می‌شود. اگر بخواهند برای غسل دادن، آن پیراهن را پاره کنند، باید با اذن وارث باشد. حالا خداوند مَنان از باب ارفاق و لطف خاص خود اجازه داده که انسان تا یک سوّم مالش، سفارش‌هایی راجع به پس از مرگش داشته باشد. حالا اگر آن وارث، آدم صالحی باشد و به وصیّت مورث عمل کند تازه او (خود وارث) به وظیفه‌ی شرعی خودش عمل می‌کند و بهره و ثوابش را هم خودش می‌برد. فرضاً اگر وارث نمازهای نخوانده‌ی میّت را بخواند آن نماز وارث خیلی اثر کند، آن میّت را به گودال‌های جهنّم که مال تارک الصلوة‌هاست نمی‌برند اما آن نماز وارث هرگز نمی‌تواند آن میّت را به غرفه‌ای از غرفه‌های بهشتی که مال نمازخوان‌هاست، برساند؛ زیرا بهشت رفتن، نیاز به تقوا و ترس از خدا دارد و آن در دنیا با عمل خود انسان به وظایف و تکالیف الهی، به دست می‌آید، نه با عمل وارث که به وظیفه‌ی خودش عمل می‌کند و ثوابش را هم خودش می‌برد.

چنین نقل شده است: مردی که اموال فراوان داشت، مزرعه و نخلستان و باغ و... آدم صالحی هم بود و تمام حقوق خدا و بندگان خدا را ادا کرده بود و ذمه‌اش مشغول به حق کسی نبود، بیمار شد و رسول اکرم ﷺ به عیادتش تشریف فرما شدند و کنار بسترش نشستند. او گفت: یا رسول الله! من تمام حقوقی را که از خدا و بندگان خدا در ذمه‌ام بود، ادا کرده‌ام و بدهکاری ندارم. تنها انبار خرمایی دارم که از من باقی می‌ماند. حال از حضرت تعالی تقاضا می‌کنم پس از مرگ من در آن انبار را باز کنید و آنچه خرما هست در میان مستمندان تقسیم کنید. رسول خدا هم قبول وصیّت کرد و پس از مرگ او، در انبار را باز کرد و آنچه خرما بود، در میان مستمندان تقسیم کرد و پس از خالی شدن انبار، حضرت خم شد و از میان خاک‌ها

یک دانه‌ی خرما برداشت و دست خودش را بلند کرد که همه ببینند. بعد فرمود: ای مردم! این که در دست من است، چیست؟ گفتند: یک دانه‌ی خرماست. فرمود: بدانید! اگر این مرد در زمان حیات خودش این دانه‌ی خرما را انفاق کرده بود ثوابش بیشتر بود از انفاق این انبار خرما که من به وصایت از او انجام دادم. یعنی؛ بیدار باشید ای مردم! تا خودتان زنده‌اید، کارتان را انجام دهید. دلگرم به وصیت و عمل به وارث خود نباشید. اولاد و وارث امروز اکثراً اهل عمل به وصیت نمی‌باشند. فرضاً هم که باشند، کار آنها ایجاد ملکه‌ی تقوا که تنها وسیله‌ی راهیابی به بهشت خداست در جان شما نمی‌کند که خدا فرموده است:

...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...^۱

...ملاک کرامت در نزد خدا تقوای شماست...

هر که متقی‌تر است، در نزد خدا گرامی‌تر است. واقعیت تقوا تحوّلی است که در جوهر روح انسان پیدامی‌شود و این کلوخ بی‌ارزش، تبدیل به طلای پرارزش می‌گردد که ما را برای همین تحوّل روحی به این دنیا آورده و در مسیر تقرب به خدا قرار داده‌اند که از این مرحله‌ی "کلوخی" حرکت کنیم و به مرحله‌ی "طلایی" برسیم و از این دنیا برویم و این تنهاراهش، عمل به وظایف و تکالیف الهی است، نه وصیت به عمل کردن وارث پس از مرگ که هیچ اثری در تحوّل روحی و پیدایش ملکه‌ی تقوا در روح میّت نخواهد داشت. حضرت امام صادق علیه السلام فرموده‌اند:

عَلِمْتُ أَنْ عَمَلِي لَا يَعْمَلُهُ غَيْرِي فَاجْتَهَدْتُ؛

۱-سوره‌ی حجرات، آیه‌ی ۱۳.

دانستم که کار مرا کسی غیر من انجام نخواهد داد
ولذا کوشیدم که خودم، کار خودم را انجام بدهم
[و واگذار به دیگری نکنم].

نقل کرده‌اند: پدر و پسری با هم شبی در یکی از کوچه‌های تاریک زمان
سابق راه می‌رفتند. آن زمان چراغ برق نبود و با فانوس دستی راه را روشن
می‌کردند. اعیان و اشراف مخصوصاً فانوس‌کش داشتند که جلو می‌افتاد و راه را
برای آنها روشن می‌کرد. آن پسر هم فانوس به دست گرفته بود و پشت سر پدر راه
می‌رفت. در اثنای راه پدر برآشفته و گفت: آخر ای آدم نادان! فانوس را از جلو
می‌برند نه از پشت سر. پسر که آدم عاقلی بود دنبال فرصت مناسبی می‌گشت که
پدر را موعظه کند؛ گفت: ای پدر بزرگوار! اگر مطلب چنینی است پس چرا شما
خودتان در مسیر آخرت فانوس را جلوتر از خود نمی‌فرستید تا راه را برای شما
روشن کند؟ درباره‌ی اموالی که دارید به من وصیت می‌کنید که پس از شما چنین و
چنان کنم و فانوس را از پشت سرتان بیاورم و راه‌های برزخ و محشر را برای شما
روشن کنم و حال آن که فانوس را از جلو می‌برند نه از پشت سر! پدر که این حرف
بلند هشیارکننده را از پسر شنید گفت: احسنت ای پسر! چه زیبا سخن گفتی و
از خواب بیدارم کردی^۱ و حَقّاً که فانوس‌کش من شدی؟^۲

۱- البته گاهی اوقات ماترک انسان به گونه‌ای است که نمی‌توان آن را هزینه کرد، در این شرایط
راهکارهای دیگری وجود دارد که می‌توان مشکل را حل کرد. بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام بدینوسیله آمادگی
خود را برای ارائه‌ی اینگونه مشاوره‌ها اعلام می‌دارد.

۲- نقل از صفیر سعادت شماره‌ی ۱۲.

اقسام وصیت

وصیت از لحاظ محتوا بر دو قسم است:

- ۱- اخلاقی، معنوی: که وصیت کننده نظر و خواست خود را اعلام می‌دارد؛ مثل سفارش به تقوا، نماز، حجاب، توجه به ایتم، انجام کارهای فرهنگی و...
- ۲- مالی، حقوقی: که حقوق شرعی، بدهی و طلبکاری و سفارش پرداخت صدقات و رد مظالم و خرج ثلث در آن مشخص می‌گردد.

وصیت اخلاقی، معنوی

در خصوص وصیت اخلاقی، معنوی روایتی از وسائل الشیعه نقل می‌کنیم که برای شما عزیزان جالب خواهد بود:

امام صادق علیه السلام به نقل از پدران بزرگوار خود چنین فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: هر کس در هنگام فوت خود وصیت نکند، این کار، نقصی در عقل و مروّت اوست.

عرض کردند: ای رسول خدا! وصیت چگونه است؟ فرمود: چون کسی زمان مرگش فرا رسد و مردم (کسان و خویشان او) پیرامونش جمع شدند، بگوید:

اللَّهُمَّ: فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ؛

ای خدای آفریننده‌ی آسمان‌ها و زمین، دانای نهان و آشکار، بخشنده‌ی مهربان.

من در این سرای دنیا به درگاه تو اقرار می‌کنم و گواهی می‌دهم که معبودی جز تو نیست، یگانه و بی‌شریکی، محمد بنده و فرستاده‌ی توست و قیامت آمدنی

است و شگّی در آن نیست و تو خفتگانِ گورها را برمی‌انگیزی و حساب راست است و بهشت راست است و نعمت‌های بهشتی از خوردنی و نوشیدنی و زناشویی که خداوند به آنها وعده داده راست است و دوزخ راست است و ایمان راست است و دین چنان است که تو وصف کرده‌ای و اسلام همانگونه است که تو تشریح فرموده‌ای و سخن همان است که تو گفته‌ای و قرآن چنان است که تو نازل کرده‌ای و تو همان معبود حقیقی و آشکار هستی.

من در این سرای دنیا در پیشگاه تو اقرار می‌کنم که تو را به عنوان پروردگار پذیرفته‌ام و اسلام را به عنوان دین و محمد ﷺ را به پیامبری و علی را به امامت و قرآن را به عنوان کتاب آسمانی خود و این که اهل بیت پیامبر ﷺ امامان من هستند.

بار خدا یا! در هنگام شداید تو تکیه‌گاه من هستی و به هنگام غم و اندوه تو امید منی و به گاه گرفتاری‌هایی که به من هجوم می‌آورد، تو نیروی پشتیبان منی و ولی نعمت من تو هستی و معبود من و معبود پدرانم تو هستی. بر محمد و آل او درود فرست و هرگز چشم بر هم زدن مرا به خود وامگذار و در تنهایی وحشتناک قبر، تو مونس من باش و در آن روز که با تو دیدار می‌کنم مرا نزد خودت پناه ده. و این پیمان میّت است در روزی که وصیّت می‌کند و وصیّت، حقّی است بر ذمه‌ی هر مسلمانی.

امام صادق ﷺ فرمود: مؤیّد این وصیّت، این سخن خدای تبارک و تعالی در سوره‌ی مریم است که می‌فرماید: "اختیار شفاعت ندارند مگر کسی که از جانب (خدای) رحمان پیمانی گرفته است و این همان پیمان است."

آنگاه پیامبر ﷺ به امیر المؤمنین علیؑ فرمود: ای علی، این وصیت را بیاموز و آن را به خاندان و شیعیانت نیز تعلیم ده و بعد پیامبر اکرم ﷺ فرمود: این روش وصیت کردن را جبرئیل به من تعلیم داد.^۱

وصیت مالی، حقوقی

مربوط به اموال حلالی است که از میّت به جامی ماند. در این بخش ابتدا شخص، اموال خود را مشخص می‌کند؛ خانه، اثاث، محلّ کسب و انبار و اجناس آن، املاک و مشخصات آن، مطالبات. امانت‌هایی که در نزد مردم دارد و بدهی‌ها اعمّ از خمس، زکات، دیات، نذورات، کفّارات، حجّ و اجب اگر به گردن اوست. مهریه‌ی همسر، امانت‌هایی که از مردم گرفته یا نزد او به امانت گذاشته‌اند. مظالم عباد. ستم‌های مالی به دیگران. اذیت، ظلم. باعث ضرر و زیان کسی شدن از قبیل تصادف، شکستن شیشه، تنه زدن به عابرین و خلاف‌های در رانندگی و ضایع کردن حقوق همسایگان. ستم‌های کسبی از قبیل گرانفروشی، غش در معامله، بی‌انصافی، عدم پرداخت به موقع بدهی‌ها، ستم به زن و فرزند، پدر و مادر و اقوام و اجتماع، خلاصه هر نوع حقوقی که در زندگی به گردن اوست و ادا نکرده همه را مشخص می‌کند؛ البتّه تمام موارد فوق را باید خود انجام دهد که به بعد از مرگ نرسد، چون معلوم نیست این همه را کسی برایش انجام دهد. پس از مشخص شدن دارایی و اموال و کسر بدهی‌های ذکر شده، آنچه باقی می‌ماند مال ورثه است و فقط ثلث آن متعلّق به خود اوست که می‌تواند آن را وصیت کند در امور خیریه و عام المنفعه و صدقات جاریه مصرف کنند و مستحبّ است که وصیت کند

۱- وسائل الشیعه، جلد ۱۳، صفحه ۳۵۳.

به اقوام فقیر هم سهمی بدهند.

تعریف وصیت

وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند چه با نوشتن یا سفارش شفاهی باشد حتی با اشاره هم می تواند.

احکام وصیت

کسی که وصیت می کند باید عاقل و بالغ باشد و از روی اختیار وصیت کند و حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد. شخص در حال خودکشی وصیتش مورد قبول نیست.

وصیت برای حیوانات باطل است؛ مثلاً وصیت کند تمام یا قسمتی از مالم برای اسب، گربه یا سگم باشد.

وقتی انسان نشانه‌های مرگ را در خود دید باید فوراً امانت‌های مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است تأدیه کند. اگر خمس و زکات و مظالم بر گردن اوست ادا کند. اگر نماز قضا دارد در صورت امکان بخواند و اگر مالی پیش کسی دارد یا در جایی پنهان کرده اطلاع دهد و برای خود وصی تعیین کند.

تعیین وصی

۱- وصی باید مسلمان، بالغ، عاقل و مورد اطمینان باشد، بی اعتنا به مال دنیا، آگاه به قانون و احکام و مطلع از امور مالی باشد. وصی می تواند مرد یا زن باشد.^۱

۱- بهتر است برای حفظ اسرار خانوادگی حتی الامکان وصی از نزدیکان و خویشاوندان انتخاب شود.

- ۲- انسان می‌تواند یک یا چند نفر را وصی قرار دهد و به او اطلاع دهد و برای حسن اجرای کارهای وصی برای او ناظر انتخاب کند. ناظر باید با نظارت خویش دلسوزانه عمل نموده و با ورثه و وصی همکاری‌های لازم را بنماید.
- ۳- اگر میت صغیر دارد برای آنها قیّم تعیین کند و می‌تواند برای قیّم، ناظر قرار دهد.
- ۴- وصی می‌تواند با حفظ وصایت، قیّم هم باشد.
- ۵- اگر زنی فوت کرد و صغیر داشت قیّم، پدر بچه‌ها می‌شود.
- ۶- وصی می‌تواند اجرت بگیرد یا برای زحمات او مبلغی را تعیین کرد.

وظایف وصی

- ۱- وصی می‌تواند وصایت را تا موقعی که موصی زنده است رد کند و به او اطلاع دهد.
- ۲- وصی پس از اطلاع و قبول وصیت بعد از مرگ موصی نمی‌تواند آن را رد کند.
- ۳- اگر انسان بفهمد کسی او را وصی کرده، چنانچه به اطلاع وصیت‌کننده برساند که برای انجام وصیت او حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیت عمل کند، ولی اگر پیش از مردن او بفهمد که او را وصی کرده یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیت حاضر نیست در صورتی که مشقّت نداشته باشد باید وصیت او را انجام دهد و نیز اگر وصی پیش از مرگ موصی ملتفت شود که مریض به واسطه‌ی شدت مرض نتواند به دیگری وصیت کند باید وصیت را قبول نماید.
- ۴- اگر موصی برای وصی "ناظر" قرار داده کارهایش باید موافق با نظر ناظر باشد.
- ۵- موصی می‌تواند بگوید بعد از مردن وصی تعیین شده، شخص دیگری وصی باشد.
- ۶- اگر وصی به تنهایی نتواند کارهای میت را انجام دهد حاکم شرع برای او کمک تعیین می‌کند.

۷- وصی حق ندارد وصیت را هیچگونه تغییری بدهد، مگر در صورتی که دستور به انجام کارهای خلاف و ترک واجبی شده باشد.

۸- وصی سعی کند در اجرای مفاد وصیت دقت و رعایت عدالت را بنماید و در پرداخت دیون متوفی اعم از مالی یا عبادی هر چه سر یعتر اقدام کند که او در قبر چشم انتظار است.

۹- چنانچه وصی فرزند انسان باشد، احتیاط آن است که وصیت پدر را رد نکند.

۱۰- وصی با حضور ناظر، قیّم و ورثه جلسات مشورتی تشکیل دهند تا با موافقت و جلب نظر همه، کار وصیت آسان گردد.

۱۱- اگر ثلث از طرف ورثه در اختیار وصی قرار نگیرد مشاجره و دعوا نکند.

۱۲- ورثه با وصی مدارا کنند و با او نزاع نکنند تا او بتواند به بهترین وجه وصیت را اجرا کند.

۱۳- وصی از هزینه‌ها و مجالس بیهوده و تشریفات جلوه‌گری کند.

۱۴- هر قسمتی که موصی وصیت کرده، باید مطابق گفته‌ی او عمل کنند و حقّ جابجایی و کم و زیاد کردن ندارد.

۱۵- وصی نسبت به اموالی که بر حسب وصیت در دست او می باشد حکم امین را دارد و ضامن نمی شود مگر در صورت تعدی یا تفریط (تعدی یعنی از حدود وظایفی که از سوی موصی برای او تعیین گردیده خارج شود و تفریط یعنی سهل انگاری و کوتاهی کند) که در اینگونه موارد ضامن است و باید از عهده‌ی خسارت بر آید.

تجدید یا تغییر وصیت

۱- اگر انسان از وصیت خود برگردد یا آن را عوض کند، وصیت قبلی باطل و

بعدی معتبر است.

۲- وصیت تازمانی که موصی در قید حیات است قابل تغییر است.

۳- اگر موصی از بعضی جهات وصیت برگردد بقیه‌ی آن به قوت خود باقی است.

۴- هر کس می‌تواند قسمتی یا همه‌ی اموال خود را در زمان حیات به دیگری صلح نماید، ولی اگر فلان مبلغ یا چیزی را برای بعد از مرگ بخواهد ببخشد یا باید از ثلث بدهد یا با رضایت ورثه از سهم الارث.

۵- اگر کسی به موجب وصیت، یک یا چند نفر از ورثه را از ارث محروم کند، چون مثلاً فلان فرزندم فاسد است؛ یا این که با همسرش اختلاف دارد، این امر نافذ نیست؛^۱ یا برعکس وصیت کند که به یکی از ورثه اضافه بر سهم دهند نافذ نیست، ولی می‌تواند از ثلث خود به او بدهد یا در صورت مصلحت در زمان حیات خود به او صلح نماید.

احکام ثلث مال

۱- هر کس حق دارد یک سوم از اموال خود را وصیت کند تا به مصرفی که تعیین کرده برسانند.

۲- اگر وصیت نکرد و از دنیا رفت هیچگونه حقی بر اموال خود ندارد و همه‌ی آنها متعلق به ورثه می‌باشد.

۳- هزینه‌ی کفن و دفن و سایر تجهیزات به مقدار معمول و شئون، از اصل دارایی به جا مانده از میت برداشته می‌شود.

۱- اصولاً اینگونه وصیت کردن‌ها سبب اختلاف بین فرزندان شده موجب کینه و کدورت بین آنها می‌شود. چه بهتر که در ایام حیات در این باره مشورت شده مشکل به شیوه‌ای شرعی و منطقی حل و رفع گردد تا پس از موت، بین ورثه اختلاف و نزاعی درنگیرد.

۴- حجّ واجب و بدهی‌ها و حقوقی مثل خمس و زکات و مظالم و دیات و مهریه زن که ادای آنها واجب است و به عهده‌ی او هست را باید از اصل مال میّت بدهند؛ اگر چه برای آنها وصیّت نکرده باشد و بعد از پرداخت آنها اگر اضافه ماند چنانچه وصیّت به ثلث کرده به دستور او عمل می‌کنند وگرنه، خالص مانده پس از کسر بدهی‌ها متعلق به ورثه است.

۵- بدهی‌های مدّت‌دار میّت بعد از مردن او "حال" می‌شود، یعنی مدّت از بین می‌رود.
۶- اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث مال او بیشتر باشد وصیّت او برای مقدار بیشتر در صورتی صحیح است که ورثه حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیّت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنها کافی نیست و اگر مدّتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند صحیح است.

۷- اگر مصرفی را که میّت معین کرده از ثلث او بیشتر باشد و پیش از مردن، ورثه اجازه دهند که وصیّت او عمل شود، بعد از مردن او نمی‌توانند از اجازه‌ی خود برگردند.
۸- موصی می‌تواند هر کدام از مال خود را ثلث قرار دهد به شرطی که زیادتر از ثلث نباشد مثلاً باغ، خانه، اثاث و غیره.

۹- وصیّت بر ثلث از دارایی، زمان موت نافذ است؛ مثلاً کسی که سال‌ها قبل از مرگ وصیّت کرده که مال بیشتری داشته یا کمتر، نمی‌توان آن را ملاک قرار داد. ملاک دارایی وقت مرگ است.

۱۰- اگر وصیّت کند ثلث مال او را نفروشد و عایدی آن را به مصرف برساند باید مطابق آن عمل شود.

۱۱- وصیّت به مقدار ثلث، نافذ و به مازاد بر آن نافذ نیست، مگر با اجازه‌ی همه‌ی

ورثه، اگر بعضی نسبت به مازاد ثلث به توافق نرسند نسبت به سهم آنها که راضی اند، مازاد نافذ است.

۱۲- اگر کسی بخواهد بیش از ثلث مال خود را وصیت کند، در صورت تمایل و مصلحت می تواند از راه های دیگر مانند صلح استفاده کند.^۱

زمان تصرف اموال

۱- اگر کسی که از دنیا رفته و وجوهات شرعیّه از قبیل خمس، مطالبه و غیره بدهکار باشد، تا آنها اداء نشود هیچ یک از ورثه، وصی و غیره حق تصرف در اموال او ندارند، مگر اجازه گرفته شود یا کسی ضامن شود.

۲- اگر کسی وصیت کرده یا نکرده فوت کرد و قرض و بدهکاری داشت نمی شود از اموالش تصرف کرد یا روی فرش او نمی توان نماز خواند، حتی ورثه. مگر در صورتی که طلبکار راضی شده یا اجازه دهد.

۳- اگر کسی فوت کرد و یک نفر یا بیشتر از ورثه غایب بودند، هیچ کس نمی تواند در اموال او تصرف کند، مگر آن که سهمیه ی وارث غایب، جدا شود یا از حاکم شرع یا سه نفر مؤمن اجازه گرفته شود.

۴- تا زمانی که یک سوم حق میّت که وصیت کرده از کلیه ی اموال جدا نشده باشد هیچ کس حق تصرف در تمام اموال را ندارد.

۵- اگر زنی بخواهد در چیزهایی که در آنها ارث نمی برد مانند زمین خانه ی

۱- بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام در خصوص آداب صلح و اجرای آن از تجارب مفیدی برخوردار است که علاقه مندان در صورت تمایل می توانند مشاوره ی لازم را به عمل بیاورند.

مسکونی تصرف کند باید از ورثه‌ی دیگر اجازه بگیرد و ورثه‌ی دیگر هم تاسهم زن را نداده اند در چیزهایی که زن از قیمت آنها ارث می برد مانند بناء و درخت، بدون اجازه‌ی او نمی توانند تصرف کنند.

۶- دیه ای که به گردن انسان هست اگر طلبکار دیه از دنیا رفته باشد به وارث او می رسد.
۷- اجرت نماز و روزه‌ی قضای میّت از ثلث او می باشد.

ارث و وارث

۱. ارث: نصیبی است که به ورثه می رسد و در عرف به دارایی میّت (میراث) = ماترک) گفته می شود.
۲. وارث: در عرف به کسی که دارایی میّت به او می رسد گفته می شود و بر دو نوع است: سببی و نسبی.
* نسبی مانند اولاد، پدر، مادر، نوه و غیره.
* سببی مانند زن، شوهر و غیره.

ورثه‌ی نسبی

کسانی که به واسطه‌ی نسب یا خویشی ارث می برند سه دسته اند:
دسته‌ی اول: پدر و مادر، اولاد، و با نبودن اولاد، اولادِ اولاد هر چه پایین تر بروند و هر کدام از آنان که به میّت نزدیک تر است ارث می برد و تا یک نفر از این دسته هست، دسته‌ی دوم ارث نمی برند.
دسته‌ی دوم: پدرِ پدر و مادرِ مادر هر چه بالا رود و خواهر و برادر و با نبودن آنها اولاد ایشان هر کدام که به میّت نزدیک تر است و تا یک نفر از این دسته هست دسته‌ی

سوّم ارث نمی برد.

دسته ی سوّم: عمو، عمّه، دایی، خاله هر چه بالا روند و با نبودن آنها اولاد آنها هر چه پایین روند.

معرفی ورثه و سهم هر یک

- ۱) اگر وارث میّت فقط یک نفر از دسته ی اوّل باشد همه ی مال به او می رسد مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر و یا یک دختر.
- ۲) اگر وارث میّت یک پسر و یک دختر باشد، مال را سه قسمت می کنند؛ دو سهم پسر و یک سهم دختر می برد.
- ۳) اگر وارث میّت پدر و مادر او باشند مال سه قسمت می شود؛ دو سهم پدر و یک سهم مادر می برد.
- ۴) اگر وارث میّت پدر و مادر و چند دختر و پسر باشد؛ مال شش قسمت می شود یک سهم پدر یک سهم مادر و چهار سهم پسر و دخترها که پسرها دو برابر دخترها سهم می برند.
- ۵) اگر میّت چند پسر و دختر داشته باشد مال را طوری تقسیم می کنند که هر پسری دو برابر دختر سهم ببرد.
- ۶) اگر وارث میّت فقط پدر و یک پسر یا مادر و یک پسر باشد مال را شش قسمت می کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر و پنج قسمت را پسر می برد.
- ۷) اگر وارث میّت فقط پدر و یک دختر باشد یا مادر و یک دختر باشد مال را چهار قسمت می کنند؛ یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیّه را دختر می برد.
- ۸) اگر وارث میّت فقط پدر یا مادر با پسر و دختر باشد مال را شش قسمت

می کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر می برد و بقیه را طوی تقسیم می کنند که پسر دو برابر دختر ببرد.

۹) اگر وارث میت چند پسر یا دختر باشد همه ی مال به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود.

۱۰) اگر وارث میت فقط پدر و چند دختر یا مادر و چند دختر باشد مال را پنج قسمت می کنند یک قسمت را پدر یا مادر می برد و چهار قسمت را دخترها به طور مساوی تقسیم می کنند.

ورثه ی سببی

۱- اگر فردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار یک مال رازن و بقیه را ورثه ی دیگر می برند و اگر اولاد داشته باشد هشت یک رازن و بقیه را اولاد می برد.

۲- زن از همه ی اموال منقول ارث می برد ولی از زمین خانه ی مسکونی یا زمین باغ و زراعت و مانند آن و قیمت آن ارث نمی برد و نیز از خود هوایی ارث نمی برد مثل بنا و درخت و فقط از قیمت هوایی ارث می برد.

۳- اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد نصف همه ی مال را شوهر و بقیه را ورثه ی دیگر می برند و اگر اولاد داشته باشد چهار یک همه ی مال را شوهر و بقیه را ورثه ی دیگر می برند و شوهر از تمام ترکه ارث می برد.

۴- خویشاوندان زوج یا زوجة به سبب رابطه ی زوجیت ارث نمی برند مثل فرزند شوهر از زن دیگر یا فرزند زن از شوهر دیگر.

۵- انگشتر، قرآن، شمشیر و لباس های میت اعم از پوشیده یا نپوشیده مال پسر بزرگ تر است.

ع-مسلمان از کافر ارث می برد ولی کافر اگرچه پدر و مادر یا فرزند میّت باشند ارث نمی برد و ارث به مسلمان اختصاص دارد اگرچه دور باشد.

طرز نگارش وصیت نامه

هنگامی که انسان قصد وصیت دارد شایسته است که روح و جسم خود را پاک کند، غسل نماید، وضو بگیرد و به درگاه خداوند از گناهان خود توبه کند. رو به قبله بنشیند و با توکل به خدا و درخواست کمک از او با کمال آرامش به دور از هر گونه حبّ و بغض و وسوسه های شیطانی وصیت کند و بداند در همه حال خدا ناظر است و سعی کند هیچگونه حقی از کسی زایل نشود.

در نگارش وصیت باید با افراد خبره و دلسوز مشورت نموده و از راهنمایی آنان استفاده شود. ۱- جملات وصیت نامه رسا و گویا باشد تا از ایجاد ابهام در اجرای آن جلوگیری شود. وصیت نامه را در دفترچه های چاپی نوشته ۲ و پس از امضاء و ثبت گواهی امضاء در دفترخانه اسناد رسمی به رؤیت و امضای مجتهد محل، وصی، ناظر، قیّم و کلیه ی ورثه برساند.

محلّ وصیت نامه در جایی تعیین شود که با وجود مصون بودن از دسترسی دیگران به هنگام نیاز، به آسانی قابل مراجعه باشد. از روی اصل وصیت نامه یکی - دو نسخه باید تهیه کرد و نزد وصی یا افرادی امین گذاشت که اگر اتّفاقی افتاد باعث سرگردانی نشود.

۱- بنیاد خیریه الزّهراء (ع) مادگی خود را برای ارائه ی مشاوره های لازم در این خصوص اعلام می دارد.
۲- خوشبختانه به همراه این کتابچه "متن وصیت نامه" به طور مستقل منتشر شده و در دسترس علاقه مندان است.

انواع وصیت

وصیت گاهی شفاهی است که انسان به وصی یا ورثه، سفارش‌هایی به صورت زبانی وصیت می‌کند و دستور انجام کارهایی را بعد از خود می‌دهد.

و گاهی وصیت کتبی است که بر سه نوع است:

۱- به قلم خود می‌نویسد یا شخص دیگری برای او می‌نویسد و دارای تاریخ و مهر و امضای وصیت کننده است.

۲- وصیت نامه‌ی رسمی که در دفترخانه اسناد رسمی حاضر شده و آن را می‌نویسد و امضاء می‌کند و گواهی در دفتر ثبت می‌شود.

۳- وصیت نامه، سرّی است که پس از تنظیم و ثبت در "صندوق امانات ثبت اسناد" به امانت گذاشته می‌شود.

نکات مهمی که در وصیت نامه باید رعایت شود

۱- اقرار به یگانگی خدا و رسالت پیغمبران و کلیه‌ی مبانی اعتقادی حقّه‌ی شیعه‌ی اثنی عشری.

۲- توصیه‌ی بازماندگان به جنبه‌های اخلاقی از قبیل تقوا، خداشناسی، حجاب، عفاف و نماز و مانند آن.

۳- معرفی خود با نام و نشانی برای آیندگان.

۴- محلّ دفن و در صورت امکان تجهیزات و مراسم.

۵- انجام وظایف شب اول قبر و نماز و خیرات.

۶- تعیین مقدار نمازهایی که فوت شده و روزه‌های قضا و حجّ واجب اگر انجام نداده و عبادات مافی الذمه یا مستحبّ.

- ۷- تعیین بدهی و خمس و زکات و دیون و مظالم و کفّارات و بدهی به مردم.
- ۸- تعیین و معرفی وصی و ناظر و در صورت داشتن صغیر، قیّم و تعیین اجرت برای آنها.
- ۹- تعیین دارایی و اموال و بدهی‌ها و محل و مشخصات آنها و ذکر اسامی وراثت.
- ۱۰- تعیین ثلث برای خود و دستور مصرف صحیح برای آنها.

نکاتی مهم و قابل توجه در باب وصیت

- ۱- خوب است بدانیم شخص چنانچه وصیت نکند و بمیرد بعداً غیر از خرج‌های ضروری (کفن و دفن) خود هیچگونه حقی به مال و دارایی خود ندارد و همه‌ی اموال به ورثه می‌رسد.
- ۲- وصیت نشانه‌ی آن است که انسان بعد از مرگ هم می‌تواند از مال خود استفاده کند و راهی به سوی خیرات داشته باشد و با وصیت می‌تواند ثلث مال خود را نسبت به تدارک برخی از واجباتی که به جا نیاورده یا صحیح انجام نداده اختصاص دهد و نسبت به پرداخت ردّ مظالم و دیون ناشناخته اقدام کند و از بار سنگین آنها خود را نجات دهد و سفارش به خیرات و صدقات بنماید.
- ۳- انسان اگر وصیت نکند ورثه‌ی او بعداً متحیر و بلا تکلیف خواهند شد.
- ۴- وصیت برای مدعیان احتمالی که قصد سوء استفاده دارند عاملی بازدارنده است.
- ۵- ارکان وصیت بر چهار پایه است:
- ❁ وصیت کننده (موصی).
 - ❁ کسی که از وصیت استفاده می‌کند (موصی له).
 - ❁ چیزی که به عنوان وصیت پرداخت می‌شود (موصی به).
 - ❁ کسی که به وصیت عمل می‌کند (وصی).

۶- اصل وصیت **مستحب** و از امور پسندیده است؛ ولی در بعضی موارد وصیت واجب می‌شود؛ مانند آن که در پرداخت حقوق واجب کوتاهی کرده یا امانتی نزد او هست یا امانت از او گرفته شده یا به گونه‌ای است که با وصیت نکردن به نظام یا اجتماع یا خانواده‌ی خود خسارتی وارد می‌کند. یا صغیر دارد یا قرض و طلبی از کسی دارد و مانند آن.

گاهی وصیت **مباح** است مثل وصیت به نوع شغل و حرفه و لباس.

گاهی وصیت **مکروه** است مثل وصیت به مقبره سازی و...

گاهی وصیت **حرام** است مانند وصیت به گناه، ایجاد مرکز فساد، انتشار کتب ضالّه و...
۷- اغلب مردم در باره‌ی وصیت، تنظیم آن و این که وصیت برای چه اموری است و چگونه باید باشد اطلاع دقیقی ندارند یا در قالب وصیت سفارش‌هایی می‌کنند که غالباً مشروعیت ندارد، مثلاً همسرش بعد از مرگ او ازدواج نکند یا ارث به یکی از فرزندان او داده نشود یا اموال خود را به دلخواه بین ورثه تقسیم می‌کند یا وصیت می‌کند جنازه‌ی او را در جای خاصی دفن کنند که از توان بازماندگان بیرون است و امثال آن که معلوم است جز آزرده‌گی بازماندگان، ثمر دیگری ندارد.

۸- وصیت باید دور از کینه و عداوت و حبّ و بغض نوشته شده باشد.

۹- رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: گاهی انسان شصت سال عبادت می‌کند ولی چون وصیت نامه‌ی خود را عادلانه تنظیم نکرده عذاب می‌شود. در حدیثی امام امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

مَنْ أَوْصَى وَ لَمْ يَحْفَ وَ لَمْ يَضَارَّ كَانَتْ كَمَنْ
تَصَدَّقَ فِي حَيَاتِهِ؛

کسی که وصیت کند و در وصیت ظلم نکند و به کسی ضرر نزند، مانند کسی است که در ایام زندگی خود صدقه داده است.

- ۱۰- نقل می کنند: کسی با وجود داشتن فرزندانی، تمام اموال خود را قبل از مرگ در راه خدا بخشید، پس از مرگ و دفن او خبر به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسید فرمود: اگر قبلاً به من خبر داده بودید نمی گذاشتم او را در قبرستان مسلمانان دفن کنند.
- ۱۱- وصیت نامه به گونه ای تنظیم شود که همواره سبب یاد خوش و طلب مغفرت بازماندگان و منبعی از خیرات برای وصیت کننده باشد.
- ۱۲- بخشیدن وسایل خانه و پیش بینی مسکن و منبع مالی برای همسر، نشانه ی محبت و قدرشناسی از اوست.
- ۱۳- در مورد سهم وراثت بهتر است تقسیم و تفکیکی صورت نگیرد، زیرا سهم هر یک از ورثه از جانب شرع و قانون به طور کامل مشخص شده است.
- ۱۴- توصیه می شود هرگونه تنبیه و تشویقی در زمان حیات صورت گیرد و به وصیت و بعد از مرگ منتقل نشود.
- ۱۵- فراموش نکنیم که بیش از ثلث مال خود را نمی توانیم وصیت کنیم و ثلث مال به هنگام مرگ معلوم می شود نه پیش از آن.
- ۱۶- باز هم تأکید می شود چه خوب است انسان قبل از مرگ دیون شرعی مانند خمس و زکات و سایر بدهکاری های خود را با دست خود و با خیال آسوده پردازد که قطعاً از برکات آن بهره مند خواهد شد.

۱۷- در انتخاب وصیّ برای حفظ اسرار خانوادگی حتّی الامکان کسی را انتخاب کنیم که از بستگان نزدیک باشد.

۱۸- برای هزینه کردن ثلث و این که چگونه و در چه راهی صرف شود که به رضایت حق تعالی نزدیک تر باشد بهتر است قبل از هر گونه اقدام با افراد خبره و آگاهی که در این خصوص تجربه ای دارند به مشاوره بنشینیم و مواردی را برای هزینه‌ی ثلث مال در نظر بگیریم که با توجّه به نیازهای عمومی جامعه از اولویّت بیشتری برخوردارند.

۱۹- عقلای قوم سفارش می‌کنند بهتر است (ماترک= دارایی) قبل از فوت تقسیم نشود و اگر بنا به دلیلی مانند فرار از مالیات و امثال آن تصمیم به تقسیم است به گونه‌ای عمل شود که عزّت مالی فرد وصیّت کننده آسیب نبیند. مثلاً خانه‌ی مسکونی که اکنون والدین در آن زندگی می‌کنند به فروش گذاشته شود تا هر یک از اولاد به سهم خود برسند و بعد پدر و مادر پیر و یا یکی از آنها ناگزیر از مستأجری بشوند و در آخر عمر با مشکلات ناشی از این امر مواجه گردند.

۲۰- همین طور سفارش شده که در خصوص همسر نیز نباید شتاب به خرج داد و قبل از فوت اقدام به واگذاری و بخشش خانه و مال و دارایی خود نمود؛ بسا دیده شده که افرادی به سبب افراط در محبّت، نسنجیده اموال و دارایی خود را به نام همسر کرده و بعد بر اثر تحولاتی که در همسر به وجود آمده به خواری و ذلّت افتاده‌اند و حال چنانچه نظر بر این است که چنین اقدامی انجام پذیرد صلاح بر این است که جانب احتیاط رعایت گردد مانند اخذ وکالت بلاعزل از طرف همسر یا فرزندان و یا طرق دیگری که صلاح دانسته می‌شود.

در خاتمه با آرزوی موفقیت و سربلندی برای همه‌ی عزیزان، با حدیث جالبی از پیامبر اکرم ﷺ سخن خود را به پایان می‌بریم. آن حضرت فرمودند: چون خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، پیش از مرگ او را پاک می‌گرداند. عرض شد: ای رسول خدا، چه چیز بنده را پاک می‌کند؟ فرمود: عمل شایسته‌ای را به او الهام می‌فرماید و سپس جانش را می‌ستاند.^۱

پروردگارا: به عزت و عظمت حضرت زهراى اطهره عليها السلام ذیل عنایت سعادت‌گستر فرزند برومندشان حضرت مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق طاعت، ترک معصیت و حُسن عاقبت به همه‌ی ما عنایت فرما.

آمین یا ربّ العالمین

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

زمستان ۱۳۸۷

۱- کنز العمال، ۲۰۷۶۷.

فهرست

صفحه

عنوان

.....	به عنوان مقدمه
۱.....	حقیقت دنیا
۴.....	خود وصی خود باش
۶.....	ضرورت نگارش وصیت نامه
۸.....	خود به فکر خود باشیم
۱۳.....	اقسام وصیت
۱۳.....	وصیت اخلاقی، معنوی
۱۵.....	وصیت مالی، حقوقی
۱۶.....	تعریف وصیت
۱۶.....	احکام وصیت
۱۶.....	تعیین وصی
۱۷.....	وظایف وصی
۱۸.....	تجدید یا تغییر وصیت
۱۹.....	احکام ثلث مال
۲۱.....	زمان تصرف اموال
۲۲.....	ارث و وارث
۲۲.....	ورثه‌ی نسبی
۲۳.....	معرفی ورثه و سهم هر یک
۲۴.....	ورثه‌ی سببی
۲۵.....	طرز نگارش وصیت نامه
۲۶.....	انواع وصیت
۲۶.....	نکات مهمی که در وصیت نامه باید رعایت شود
۲۷.....	نکات مهم و قابل توجه در باب وصیت